


مطالعه تطبیقی میزان الگوگیری رهبران جمهوری اسلامی از سیره حکومتی امیر مؤمنان علیه السلام در مواجهه با مسیحیان ایران

abotaleby@gmail.com

مهدی ابوطالبی / استادیار گروه تاریخ معاصر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

مهدی یعقوبی / دانش پژوه دکتری تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

mahdiyaghoobi83@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-1558-8962



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

چکیده

مسیحیان در ایران از دیرباز حضور داشته‌اند. این عده اگرچه اقلیتی مذهبی هستند، اما حقوق مشخصی در جامعه اسلامی برایشان در نظر گرفته شده است؛ همان گونه که در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی مسیحیان از حقوق تعریف شده‌ای برخوردارند. یکی از انتقادات به جمهوری اسلامی ایران این است که غیرمسلمانان، از جمله مسیحیان در ایران آزاد نیستند و حقوق آنها تضییع می‌شود، درحالی که این امر با معیارهای حکومت اسلامی و علوی در تناقض است. پژوهش حاضر با روش «مطالعه تطبیقی - تاریخی» در پی پاسخ به این سؤال است که رویکرد جمهوری اسلامی در قبال مسیحیان با سیره حکومتی امیرمؤمنان علیه السلام تا چه حد همخوانی دارد؟ شواهد مستند، از جمله قانون اساسی و دیگر قوانین جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد: جایگاه پیروان مسیحیت و حقوق شهروندی آنها مانند بهره‌مندی از خدمات اجتماعی، آموزشی و شهروندی، آزادی بیان، و امکان مشارکت سیاسی مدنظر قرار گرفته و رویکرد جمهوری اسلامی در قبال آنها در مسیر معیارهای اسلامی و منطبق با حکومت علوی است.

کلیدواژه‌ها: حکومت علوی، امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری، جمهوری اسلامی، اقلیت‌های مذهبی، مسیحیان.

یکی از حقوق انسانی آزادی و اختیار در تفکر و باورهاست. انسان‌ها همواره در طول تاریخ، باورهای مذهبی متفاوتی داشته‌اند. این تفاوت در مذهب، گاهی به اختلاف میان اقوام گوناگون منجر شده است؛ به‌ویژه اگر پیروان یک دین، از نظر جمعیتی در اقلیت بوده‌اند، نگاه اکثریت به آنها متفاوت بوده است. جایگاه اقلیت‌های مذهبی و رعایت حقوق آنها در حکومت‌ها همیشه یکی از مسائل پرحاشیه است. این جایگاه در حکومت اسلامی که مبتنی بر تعالیم اسلام است، کاملاً روشن و برای سایر حکومت‌ها قابل الگوبرداری است. این امر، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی و در نظام جمهوری اسلامی مطمحنظر رهبران این نظام قرار داشته است.

جامعه جهانی، به‌ویژه رسانه‌های غربی در طول سالیان پس از انقلاب همواره کوشیده‌اند و انمود کنند مسیحیان که بخشی از اقلیت‌های مذهبی در جمهوری اسلامی هستند، جایگاهی ندارند و حقوقشان ضایع می‌شود. بدین‌روی، این سؤال به ذهن می‌آید که آیا حقوق مسیحیان در اسلام و به‌تبع آن، در جمهوری اسلامی رعایت نمی‌شود؟ جمهوری اسلامی در مواجهه با مسیحیان تا چه حد از حکومت امیرمؤمنان علیه السلام الگوبرداری کرده است؟ براین‌اساس، تلاش متن پیش‌رو بر این است که نشان دهد:

الف) در اسلام به حقوق مسیحیان توجه شده است.

ب) مسیحیان در حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام کاملاً آزاد و از حقوق عادلانه برخوردار بوده‌اند.

ج) رویکرد جمهوری اسلامی در قبال پیروان مسیحیت، کاملاً در راستای سیره سیاسی و حکومتی امیرمؤمنان علیه السلام قرار داشته است.

پیشینه تحقیق

تحقیقات گوناگونی با رویکردهای متفاوت در این باره صورت گرفته است. عمده پژوهش‌ها در این حوزه، یا با نگاه به جایگاه اقلیت‌ها در اسلام^۱ انجام شده و یا با تکیه بر وضعیت اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی^۲ سامان یافته است. نیز توجه به اقلیت‌های مذهبی در تاریخ ایران^۳، رویکرد کلی دیگر در نگاشته‌های موجود است. گاهی نیز مسئله اقلیت‌ها از نگاه حقوقی^۴ - چه در حقوق اسلامی و چه در حقوق بین‌الملل - مدنظر محققان بوده است. «حقوق اقلیت‌ها از دیدگاه امام علی علیه السلام»^۵ تقریباً کامل‌ترین مقاله در

۱. محمد امامی و حسین نورالدینی، «سیری در حقوق اقلیت‌های دینی در اسلام»، ص ۳۳-۵.

۲. محمدعلی قاسمی، «اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ص ۸۵۳-۸۷۲.

۳. روح‌الله رنجبر، «اقلیت‌های دینی و انقلاب مشروطیت»، ص ۱۱۶-۱۲۷.

۴. روح‌الله شریعتی، حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی؛ تقی دشتی و ابراهیم باطنی، «مفهوم‌شناسی اقلیت»، ص ۱۷۵-۲۰۲؛ منیره اخوان، «حقوق اقلیت‌ها در

حقوق بین‌الملل و جمهوری اسلامی»، ص ۴۷-۷۰.

۵. عباسعلی عمیدزنجانی، «امام علی علیه السلام و حقوق اقلیت‌ها»، ص ۵-۸۱.

این زمینه است. به رغم تتبع خوب و جامعیت مطالب این مقاله، رویکرد کلی تحقیق مذکور، مقایسه اقلیت‌ها در دوره حکومت علوی با جمهوری اسلامی نیست.

همچنین در این موضوع، کتابی با عنوان *اهل کتاب در حکومت‌های اسلامی*^۱ نگاشته شده است. کتاب مذکور با هدف تبیین جایگاه اقلیت‌های مذهبی در تاریخ حکومت‌های اسلامی، از ابتدا تاکنون نگاشته شده است. بدین‌روی، بخش کوتاهی از آن مربوط به حکومت امام علی^ع و جمهوری اسلامی است. اما رویکرد آن مقایسه میان این دو حکومت نبوده و اطلاعات مختصری در این باره ارائه داده است.

درباره جایگاه مسیحیان در ایران، تحقیقات متعددی نگاشته شده است؛ از جمله: «فراز و فرود مسیحیت در نگرش حکومت‌های ایران»^۲. با این‌همه، رویکرد این تحقیقات بررسی جایگاه مسیحیت در ایران پس از انقلاب و مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای با حکومت امیرمؤمنان^ع نبوده است. بنابراین درباره رویکرد جمهوری اسلامی در قبال جایگاه مسیحیان و مقایسه عملکرد آن با حکومت امیرمؤمنان^ع و میزان الگوگیری از آن مطالعه و جست‌وجوی بیشتری لازم است.

نوشتر پیش‌رو با روش «مطالعه تطبیقی - تاریخی» با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای تاریخچه حضور مسیحیان در ایران قبل و بعد از اسلام را بررسی کرده است. همچنین وضعیت پیروان این دین پس از انقلاب اسلامی ایران تبیین گردیده و تلاش شده تا جایگاه آنان به صورت تطبیقی با دوران حکومت امیرمؤمنان^ع و میزان الگوگیری از حکومت علوی تبیین شود.

تعریف «اقلیت»

دسته‌بندی جامعه به اقلیت و اکثریت و اینکه کدام بخش از جامعه را شامل می‌شود نیازمند تبیین معیارهای این دسته‌بندی و مفهوم‌شناسی آن است. واژه «اقلیت» امروزه در ادبیات حقوقی، تعریف خاصی دارد. اما پیش از آن باید با توجه به منابع اسلامی آن را تعریف کرد و سپس جایگاه این واژه را با ادبیات روز سنجید. در نگاه علم حقوق و جامعه بین‌الملل، تعریف‌های متعددی از «اقلیت» در جوامع بشری ارائه شده است. برای نمونه:

بخشی از جامعه با مذهب یا زبان متفاوت از اکثریت افراد جامعه هستند. آنها نوعی حس همبستگی دارند که از اراده جمعی برای بقا نشئت می‌گیرد و هدف آنها دستیابی به مساوات و برابری حقیقی و حقوقی با اکثریت مردم می‌باشد.^۳

۱. سیدعلی حسینی، اهل کتاب در حکومت‌های اسلامی.

۲. حسین امینی فر و محمد دشتی، «فراز و فرود مسیحیت در نگرش حکومت‌های ایران»، ص ۳۲-۵.

۳. پاتریک ترنبری، حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، ص ۱۲.

این تعریف به صورت ضمنی، اعمال تبعیض درباره اقلیت‌ها را در جوامع امری مسلم دانسته، اشاره می‌کند که بخش از جامعه برای حل تبعیض و دسترسی به حقوق خود تلاش می‌کند.

به‌رغم همه این تلاش‌ها، به تصریح متخصصان علم حقوق، هنوز تعریف دقیقی از «اقلیت» در جهان ارائه نشده است. این امر تفسیرهای متفاوت، یک‌جانبه و غیرواقعی از این واژه را در مناطق گوناگون جهان موجب شده است که در عمل، به ضرر این طیف خاص تمام می‌شود.^۱

با این‌همه، می‌توان اقلیت‌ها را براساس برخی مؤلفه‌ها و عناصر طبقه‌بندی کرد: (۱) کمیت؛ (۲) مذهب؛ (۳) جغرافیا؛ (۴) زبان؛ (۵) سیاست و مانند آن.^۲ بدین‌رو، می‌توان «اقلیت‌ها» را در جامعه این‌گونه تعریف کرد: «گروهی از مردم جامعه که از نظر تعداد جمعیت یا زبان یا مذهب یا وابستگی ملیت و قومیت با اکثریت جامعه تفاوت دارند.»

جایگاه اقلیت‌ها در اسلام

براساس آیات قرآن کریم، ملاک ارزشمندی انسان‌ها نزد خداوند متعال، تقواست (حجرات: ۱۳). براین‌اساس، معیارهای مادی رایج در دنیای امروز، مانند ثروت، مقام و جایگاه اجتماعی در این ارزش‌گذاری نقشی ندارند.

به‌طور کلی قرآن کریم و سیره پیامبر ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام تبیین‌کننده اصول کلی رفتار و شیوه تعامل مسلمانان با پیروان دیگر ادیان است؛^۳ اصولی مانند: «کرامت انسان» (اسراء: ۷۰)؛ «عدالت» (یونس: ۴۷؛ شوری: ۱۵)؛^۴ «هدایت و ارشاد» (طه: ۵۰؛ انبیاء: ۷۳؛ اعلی: ۲-۳)؛ «صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز» (بقره: ۲۱۳؛ آل‌عمران: ۶۴؛ عنکبوت: ۴۶)؛^۵ «پایبندی به عهد و پیمان» (مائد: ۱؛ بقره: ۲۷؛ رعد: ۲۵؛ توبه: ۴)؛ «برابری انسان‌ها در آفرینش» (حجرات: ۱۳).^۶

احکام عمومی اسلام برای همه مسلمانان مشخص شده و وظیفه هر مسلمان در جامعه اسلام تبیین‌گشته است. با توجه به اینکه بخشی از جامعه اسلامی غیرمسلمان هستند، احکام خاصی نیز برای آنها در نظر گرفته شده است. از این‌رو، در منابع اسلامی با دو دسته مسائل و احکام روبه‌رو هستیم: احکام و دستوراتی که مربوط به

۱. محمدرضا عظیمی، اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، ص ۴۳-۴۶.

۲. همان، ص ۴۹-۶۷.

۳. رک: محمدنور فیاضی، بررسی و تعامل ائمه اطهار علیهم‌السلام با پیروان دیگر ادیان؛ احمد درویش‌گفتار، حقوق اقلیت‌ها در قرآن.

۴. ر. ک: نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.

۵. رک: محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۶. رک: نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.

مسلمانان است و احکامی که مربوط به غیرمسلمانان است. همان‌گونه که یک مسلمان در قبال هم‌کیش خود وظایفی دارد، درباره غیرمسلمان نیز باید به دستورات اسلام عمل نماید.^۱

در فقه اسلام، احکام خاصی درباره قلمرو سرزمین اسلامی بیان شده است. این قلمرو در اصطلاح فقه، «دارالاسلام» یا همان «سرزمین اسلامی» نامیده می‌شود. در مقابل، سرزمین غیراسلامی «دارالحرب» یا «دارالکفر» نام دارد.^۲ همچنین براساس منابع اسلامی و فقهی از غیرمسلمانان ساکن در سرزمین اسلامی با عنوان «اهل ذمه» یاد شده است. اهل ذمه که مسیحیان در زمره آنان محسوب می‌شوند، غیرمسلمانانی هستند که با پذیرش قوانین اجتماعی اسلام، در قلمرو کشور اسلام زندگی می‌کنند و در نتیجه، عضوی از جامعه اسلامی به‌شمار می‌آیند.

«ذمه» در لغت، به معنای عهد، پیمان، قرارداد،^۳ امان، پناه، حرمت و حق^۴ است. نیز در زبان عربی، به هر امر ترضیح شده که تعهد و الزام ایجاد کند، «ذمه» می‌گویند. از این رو، به غیرمسلمانانی که در جامعه اسلامی زندگی کرده، جزیه یا مالیات پرداخت می‌کنند «اهل ذمه» گفته می‌شود.^۵

براساس این قرارداد دوطرفه، این دسته از غیرمسلمانان عضوی از جامعه اسلامی به‌شمار می‌آیند و مال و جان و ناموسشان در امان است و از این نظر مانند مسلمان با آنها رفتار می‌شود. این وضعیت تا زمانی ادامه دارد که اهل ذمه به تعهدات خود پایبند باشند. اما در صورت تخلف، مجازات می‌شوند.^۶

برای نمونه، پس از شکل‌گیری نظام اسلامی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال دهم هجری، پس از حادثه مباحله، با مسیحیان نجران معاهده امضا کردند و آنها متعهد به پرداخت جزیه در قبال زندگی در قلمرو اسلام شدند.^۷

بنابراین منظور از «اقلیت مذهبی» در جامعه اسلامی - به صورت کلی - همه افراد غیرمسلمان هستند. غیرمسلمانان در احکام اسلامی، به دو دسته «اهل کتاب» و «غیر اهل کتاب» تقسیم می‌شوند و هر دسته احکام خاص خود را دارند. منظور از «اهل کتاب» پیروان ادیان ابراهیمی و مراد از «غیر اهل کتاب» کفار، بی‌دینان و نیز پیروان ادیان غیر الهی یا فرقه‌های ضاله هستند.

۱. روح‌الله شریعی، حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، ص ۴۰-۴۳.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۰؛ محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۱۵.

۳. محمدبن حسن ابن‌درید، جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۱۱۸؛ محمدبن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۴، ص ۱۹۸.

۴. محمدبن مکرم ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۲۱؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۶۶.

۵. رک: فخرالدین طریحی، مجمع البحرین؛ خلیل‌بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۱۱۹.

۶. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۰؛ محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۱۵.

۷. احمدبن ابی‌یعقوب، یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۲-۸۳.

تاریخ حضور مسیحیت در ایران پیش از اسلام

حضرت عیسی علیه السلام مقارن سلطنت فرهاد پنجم، پادشاه اشکانی، در منطقه بیت لحم (فلسطین) متولد شد.^۱ براساس نقل انجیل (متی: ۱/۲-۱۱) اولین بار روحانیان مجوس ایرانی هنگام ولادت حضرت عیسی علیه السلام در بیت لحم، حضرت مریم علیها السلام و حضرت عیسی علیه السلام را یافتند و پس از پیشکش هدایا به سرزمین خویش بازگشتند.^۲ بنابراین آشنایی ایرانیان با آیین مسیحیت به اوایل قرن اول میلادی بازمی‌گردد. همچنین حضور برخی از حواریان حضرت عیسی علیه السلام در شهر ماکو و شمال ایران گزارش شده است.^۳

در هر صورت ترویج مسیحیت در ایران در دوره سلطنت اشکانیان آغاز شد و در سال ۲۲۵م در بین‌النهرین و نواحی دیگر ایران، بالغ بر بیست حوزه اسقفی وجود داشت.^۴ در عصر ساسانیان نیز مسیحیان حضوری فعال داشتند و توانستند موجودیت و جایگاه خود را حفظ کنند.^۵ هرچند در دوران برخی پادشاهان ساسانی آزار و اذیت شدند و حتی قتل‌عام یا مجبور به ارتداد از آیین خود گردیدند.^۶

مسیحیان در جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی برای مسیحیان که از جمله شهروندان ایرانی در این مرز و بوم هستند، حقوق و وظایفی تعریف کرده است. براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دین مسیحیت در ایران رسمیت دارد: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.^۷ همچنین در قانون اساسی اینچنین تأکید شده است:

به حکم آیه شریفه «لَا يَتَّبِعُهُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكمُ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ» (ممتحنه: ۸) [خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما بیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ چراکه خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد]. دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با

۱. ربیع بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، ج ۳، ص ۱۹۴.

۲. Encyclopedia of iranica, "Christianity", v. 5, p. 527.

۳. لینا ملکمیان، کلیسای ارامنه ایران، ص ۱۱-۱۳.

۴. همان.

۵. آرتور کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۲۸۹؛ رومن گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ص ۳۵۰.

۶. آرتور کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ ویلیام مک الوی میلر، تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ص ۲۶۷-۲۷۰.

۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل سیزدهم.

اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.^۱

گذشته از این، نگاه رهبران جمهوری اسلامی به اقلیت‌های مذهبی، از جمله پیروان آیین مسیحیت جالب توجه است. در اندیشه امام خمینی^ع اقلیت‌ها در نظام جمهوری اسلامی مانند سایر افراد، از حقوق برابر و احترام کامل بهره‌مندند:

آنها با سایر افراد در همه چیز مشترک و حقوقشان به حسب قوانین داده می‌شود و در حکومت اسلامی آنها در رفاه و آسایش هستند.^۲

امام خمینی^ع اقلیت‌های مذهبی را در نظام سیاسی - دینی در انجام تمام فرایض عبادی، مذهبی و اجتماعی آزاد می‌داند و معتقد است:

تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند.^۳

امام خمینی^ع همچنین ضمن پذیرش آزادی اقلیت‌ها، اظهار نظر و ابراز عقیده آنها را نیز آزاد می‌داند:

دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک - به معنای واقعی - است و برای همه اقلیت‌های مذهبی، معتقد به آزادی به‌طور کامل هست و هر کسی می‌تواند اظهار عقیده خودش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را به عهده دارد و دولت اسلامی تمامی منطقی‌ها را با منطق جواب خواهد داد.^۴

مقام معظم رهبری درباره جایگاه مسیحیت در اسلام این‌گونه می‌گوید:

اسلام دین رأفت است، دین رحمت است، رحمة للعالمین است. اسلام به مسیحیت می‌گوید: «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ (آل عمران: ۶۴)؛ بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است. مشترکات را با آنها مورد ملاحظه قرار می‌دهد. اسلام علیه ملت‌های دیگر نیست، علیه ادیان دیگر نیست.

اگر کسی در جامعه اسلامی عقیده غیراسلامی داشت، اما عقیده‌ای که او را امر به مخالفت و معارضة با نظام اسلامی نمی‌کند، دارا بود آن عقیده اشکالی ندارد. لذا در جامعه اسلامی یهودیان، مسیحیان، زردشتیان، صابئیان و دیگر مذاهب که مسلمان نیستند، زندگی می‌کنند، از حقوق خودشان استفاده می‌کنند و طبق اصل بیست و سوم قانون اساسی، اینها آزاد در عقیده خودشان هستند، و عقیده در جامعه اسلامی و بنا بر اسلام ممنوع نیست.^۵

ایشان درباره همراهی دین اسلام و مسیحیت این‌گونه تحلیل می‌کند:

۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل چهاردهم.

۱. سیرولله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۹۰.

۳. همان، ج ۴، ص ۴۴۱.

۴. همان، ص ۴۱۰.

۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۱/۱۷.

عیسی مسیح ﷺ مجهز به معجزه و دعوت الهی برای نجات بشر از ظلمات شرک و کفر و جهل و ظلم و رسانیدن وی به نور معرفت و عدل و عبودیت پروردگار مبعوث گشت و در همه مدت اقامت خود در میان انسان‌ها لحظه‌ای در مبارزه با بدی و دعوت به نیکی درنگ نفرمود. و این درسی است که مسیحیان و مسلمانان که معتقدان به نبوت آن بزرگوارند باید فراگیرند. امروز بشر بیش از همیشه نیازمند آن تعالیم است و اسلام که مکمل آیین مسیح است، دعوت به خیر و صلاح و کمال را سرلوحه برنامه خود قرار داده است.^۱

اکرام و احترام به مسیحیان در اسلام

یکی از وظایف حکومت اسلامی براساس اصل «کرامت انسانی» (ر. ک: اسراء: ۷۰)، اکرام و احترام به اعضای جامعه است. این نگاه به افراد جامعه اسلامی، کلی است و بدون در نظر گرفتن هرگونه تفاوتی میان آنهاست. بنا بر قواعد فقه اسلام وقتی اقلیت‌های مذهبی براساس قرارداد ذمه، تحت حکومت اسلامی جای گرفتند، مانند دیگر مسلمانان، عضوی از این جامعه محسوب می‌شوند. از این رو، همچون افراد دیگر، حق احترام و اکرام در جامعه اسلامی دارند. این امری است که در حکومت امیرمؤمنان ﷺ و نیز جمهوری اسلامی مدنظر قرار گرفته و بدان عمل می‌شود.

حکومت علوی و اکرام مسیحیان

الف) وقتی امیرمؤمنان ﷺ از شهر «فیروزشاپور» (الانبار) می‌گذشتند، *ماراسحق*، رئیس دانشگاه «پومدیتا»، با جمعیتی قریب نود هزار تن برای عرض دوستی به استقبال حضرت رفتند. ایشان آنها را اکرام کردند و *ماراسحق* را در منصبش ابقا نمودند و تمام حقوقی را که بزرگ مسیحیان از آن برخوردار بود، برایشان مقرر فرمودند.^۲

در این باره، گزارش جالب توجه و مشهوری وجود دارد که نیک‌رفتاری امیرمؤمنان ﷺ با فردی غیرمسلمان را نشان می‌دهد. این رفتار اسلامی در نهایت، موجب مسلمان شدن او شد:

[روزی] امیرالمؤمنین ﷺ با فردی ذمی [غیرمسلمان] همراه شد. آن مرد ذمی به آن حضرت گفت: ای بنده خدا، می‌خواهی کجا بروی؟ فرمود: می‌خواهم به کوفه بروم. [پس سر دو راهی رسیدند و مرد ذمی به جای دیگری می‌رفت.] چون راه ذمی تغییر کرد، امیرالمؤمنین ﷺ نیز با او همراه شد و تغییر مسیر داد. مرد ذمی گفت: مگر نمی‌خواستی به کوفه بروی؟ فرمود: چرا. ذمی گفت: راه کوفه را رها کردی. فرمود: می‌دانم. گفت: پس چرا با اینکه می‌دانی، با من همراه شدی؟ امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: این از به پایان رساندن خوش‌رفاقتی است که شخص^۳ رفیق راهش را در هنگام جدایی چند گامی بدرقه کند. این گونه پیغمبر ﷺ ما به ما دستور داده است. ذمی گفت: این گونه دستور داده؟ فرمود: آری. ذمی گفت: پس مسلماً هر که پیروی‌اش کرده به‌خاطر همین

۱. پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت میلاد حضرت عیسی ﷺ، ۱۳/۱۰/۱۳۷۲.

۲. احمد حجازی السقا، نقد التورات، ص ۴۴؛ سیدعلی حسنی، اهل کتاب در حکومت‌های اسلامی، ص ۶۲.

کردارهای بزرگوارانه او بوده است. من تو را گواه می‌گیرم که پیرو دین تو و بر کیش شمایم و مرد ذمی با امیرالمؤمنین^ع برگشت و همین که آن حضرت را شناخت مسلمان شد.^۱

نکته جالب توجه این است که در این سفر، امام علی^ع درحالی که خلیفه مسلمانان بود، اما ناشناس مسافرت می‌کرد و از همراهان گسترده و تبلیغات خبری نبود. همچنین ایشان تا آنجا که ممکن بود، خود را تا آخرین دقایق گفت‌وگو، معرفی نمی‌کردند تا غیرمسلمان بتواند بدون اینکه تحت تأثیر مقام حضرت قرار گیرد، سخن خود را با ایشان در میان بگذارد.

ب) مال و آبروی اقلیت‌های مذهبی، از جمله مسیحیان در نگاه امام علی^ع مانند مسلمانان محترم است و حکومت اسلامی وظیفه دارد از آنان محافظت کند. در این باره داستان معروف تعرض لشکریان معاویه به زنان مسلمان و غیرمسلمان در دوره حکومت امیرمؤمنان^ع و موضع ایشان قابل توجه است:

به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده و خلخال و دستبند و گردنبنند و گوشواره‌های آنها را به غارت برده‌اند، درحالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن نداشته‌اند. لشکریان شام با غنیمت فراوان رفتند، بدون اینکه حتی یک تن آنان زخمی بردارد و یا قطره خونی از او ریخته شود. اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است.^۲

نکته مهم در این بیان آن است که امام^ع تعرض به زن مسلمان و غیرمسلمان را در کنار هم ذکر کرده، از این واقعه ابراز تأسف شدید می‌کنند. بنابراین در نگاه حاکم اصیل اسلامی، مسیحیان به‌مثابه بخشی از اقلیت‌های مذهبی در جامعه اسلامی، همانند مسلمانان حق اکرام و احترام دارند.

جمهوری اسلامی و اکرام مسیحیان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی نیز با تأسی به احکام اسلام و سیره حکومتی امیرمؤمنان^ع، به مسیحیان اکرام و احترام نمود. در مسائل عمومی و مناسبت‌ها، جایگاه ارامنه و مسیحیان در ایران مانند دیگر ایرانیان است و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران با آنان مثل همه ایرانیان رفتار می‌کنند. شواهد این سخن نمونه‌های ذیل است:

دیدار اعضای شورای شهر تهران و همراهان ایشان از خانواده یک شهید ارمنی^۳؛ بازدید سرزده وزیر آموزش و پرورش از مدرسه ارامنه «گوهر» به مناسبت آغاز سال ۱۹۲۰م^۴؛ دیدار خلیفه ارامنه تهران با مدیران آموزش و

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۷۰.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۶.

۳. شورای خلیفه‌گری ارامنه ایران، ۱۶ دی‌ماه ۱۳۹۷.

۴. همان، ۱۲ دی‌ماه ۱۳۹۶.

پروورش منطقه ۶ تهران؛ دیدار مدیر کل امور ایثارگران شهرداری تهران از خانواده شهید ارمی/دیگ نرسیسیان؛
و ...

از جمله دیگر وظایف حکومت اسلامی در خصوص افراد جامعه، خدمت‌رسانی به شهروندان و رعایت عدالت در این زمینه است.

حکومت علوی و خدمات اجتماعی به مسیحیان

الف) در دوران حکومت امام علی علیه السلام، مسیحیان نیز در گشایش و راحتی بودند. آن حضرت در این زمینه، اهل ذمه، از جمله مسیحیان را مشمول عطایای دولتی و حکومتی خود قرار دادند. سیاست حضرت به گونه‌ای بود که میان اهل ذمه و اعراب و موالی به عدالت رفتار می‌کردند. ایشان به کارگزاران خود توصیه نمودند با اهل ذمه به نیکویی رفتار کنند. برای نمونه، یکی از کارگزاران حضرت دستور داد نه‌ری ایجاد کنند تا اهل ذمه زمین‌های کشاورزی خود را با آن آبیاری نمایند.^۳

ب) در روزگار خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام، هنگامی که ایشان پیرمرد از کار افتاده نابینایی را دیدند که از مردم تقاضای کمک می‌کرد، بی‌درنگ از حال او جو‌یا شدند. یکی از اطرافیان خود را مأمور رسیدگی به حال و وضع وی نمودند. او پس از تحقیق گزارش داد: «می‌گویند وی نصرانی است و از مردم درخواست کمک می‌نماید. امام علیه السلام از شنیدن این سخن آثار خشم در چهره‌شان آشکار گردید و فریاد برآوردند: او تا جوان بود او را به کار کشیدید و از نیروی او بهره گرفتید و اکنون که پیر و ناتوان گشته، وی را به حال خود رها نموده و از احسان و کمک خویش محرومش می‌کنید؟! سپس این فرمان ماندگار را صادر نمودند: «انفقوا علیه من بیت‌المال»؛^۴ برای وی از بیت‌المال مستمری قرار دهید.

ج) شهید صدر در بحث مسئولیت دولت در اقتصاد اسلامی، براساس همین روایت می‌نویسد: فتوای برخی از فقها مانند شیخ حرعاملی این است که وظیفه دولت اسلامی در جهت ضمانت اجتماعی و حمایت اقتصادی، تنها به مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه اقلیت‌هایی که تحت حمایت حکومت اسلامی بوده و از کار افتاده شده‌اند، سهمی در بیت‌المال دارند.^۵ بدین‌رو، اقلیت‌های دینی در زمره کسانی قرار می‌گیرند که دولت اسلامی مکلف است طبق قانون از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، افراد درمانده و محروم را تحت خدمات

۱. همان، ۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۶.

۲. همان.

۳. احمدین‌ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۳.

۴. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶ ص ۲۹۳؛ محمدبن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۶

۵. سیدمحمدباقر صدر، اقتصادنا، ص ۶۶۹

حمایت‌های مالی خود قرار دهد و برای تک‌تک افراد کشور سطح حداقل زندگی را معیشت را تأمین نماید و از طریق بیمه و شیوه‌های مناسب و آبرومندانه زندگی آینده آنها را تضمین کند.^۱

جمهوری اسلامی و خدمات اجتماعی به مسیحیان

در جمهوری اسلامی نیز با پیروان حضرت عیسی^ع در زمینه دریافت خدمات اجتماعی همانند عموم جامعه رفتار می‌شود:

الف) امور مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و به‌طور کلی تمام نهادهای مخصوص آرامنه زیر نظر نهادی به نام «خلیفه‌گری آرامنه» اداره می‌شود. خلیفه‌گری‌های ایران از جانب دولت، مرجعی شناخته شده هستند که امور جامعه آرامنه را طبق اساسنامه خود اداره می‌کند. از جمله وظایف این شورا اجرای مصوبات «مجمع نمایندگان جامعه آرامنه» و نیز رسیدگی به امور مربوط به احوال شخصی و امور خانوادگی و ارثیه آرامنه هر حوزه و اداره امور کلیساها، مدارس، گورستان‌ها و رسیدگی به زندگی فرهنگی و اجتماعی آنهاست.^۲

ب) مسیحیان آشوری و کلدانی پس از انقلاب در شرایطی همراه با صلح و آرامش در ایران زندگی کرده‌اند. این شرایط به قدری برای آنها مطلوب بوده که مقر مرکزی اتحادیه آشوریان جهان در مهرماه ۱۳۸۷ از شهر شیکاگو آمریکا به ایران منتقل شد.^۳ این امر نشانه مهمی بر وجود شرایط مساعد زندگی مسیحیان در ایران است.

مشارکت مسیحیان در امور سیاسی و حکومتی

نقش مردم در حکومت اسلام و در سیره حکومتی امیرمؤمنان^ع براساس تعالیم اسلامی تعریف شده است. با توجه به برخی تفاوت‌ها در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی ایران با حکومت امیرمؤمنان^ع، مشارکت سیاسی مستقیم مردمی و نقش مسیحیان در این امر را می‌توان فقط در جمهوری اسلامی مشاهده کرد. برای نمونه، در دوران صدر اسلام، نهادی با عنوان «مجلس شورای اسلامی» وجود نداشت. با این حال شواهد مهمی از توجه به نقش اجتماعی و سیاسی مردم در حکومت صدر اسلام وجود دارد.

جمهوری اسلامی نیز اقلیت‌های مذهبی، از جمله پیروان مسیحیت را همانند همه ایرانیان عضوی از این کشور اسلامی دانسته و این ادعا را در عمل ثابت کرده است. براساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی، «زرتشتیان و

۱. عباسعلی عمیدزنجانی، «امام علی^ع و حقوق اقلیت‌ها»، ص ۵-۸۱

۲. افشین نادری، «گزارشی از وضعیت آرامنه ایران»، ش ۱، ص ۴۶-۵۵.

۳. روزنامه ایران، بخش سیاسی، گزیده اخبار، «انتقال مقر آشوریان از شیکاگو به تهران».

کلیما هر کدام یک نماینده، و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده، و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده^۱ در مجلس شورای اسلامی دارند. بنابراین می‌توان ثابت کرد که ایران اسلامی در خصوص پیروان دیگر ادیان به دستور اسلام عمل کرده است.

عملکرد عدالت‌آمیز دولت اسلامی ایران با اقلیت‌های مذهبی موجب شده است مسیحیان در حفظ تمامیت ارضی، از مرزهای ایران اسلامی دفاع کنند و با شرکت در دفاع مقدس، شهدایی را به انقلاب اسلامی ایران تقدیم کنند.

آزادی در احقاق حق و انجام مناسک دینی مسیحیان

مسیحیان متعهد در دیدگاه امام علی علیه السلام بیگانه و اقلیتی که اختیاری در تعیین حقوق و سرنوشت خود ندارد شناخته نمی‌شوند. این نکته را نیز باید در نظر گرفت که غیرمسلمانان، اعم از اهل کتاب و غیر آنان، مادام که علیه منافع عمومی مسلمانان و جامعه اسلامی - مانند اقدام علیه امنیت عمومی - کاری نمی‌کردند، در جامعه عصر علوی آزاد بودند. این رویه از دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رواج داشت، و امروزه نیز براساس معیارهای انسانی و عقلایی، پذیرفتنی و غیرقابل خدشه است.

غیرمسلمانان، حتی از حقوق شهروندی مساوی به صورتی برخوردار بودند، به گونه‌ای که می‌توانستند به دادگاه اسلامی شکایت کنند و پس از بررسی، در صورت اثبات دور ماندن از حق خود، درباره آنان احقاق حق صورت می‌گرفت. گواه این امر در عهد خلافت امام علی علیه السلام روی داد:

فردی نصرانی^۲ با امیرمؤمنان علیه السلام و خلیفه مسلمانان بر سر زره آن حضرت اختلاف پیدا کرد. نصرانی زره امام علی علیه السلام را مال خود می‌پنداشت و به دادگاه اسلامی شکایت کرد. قاضی بدون توجه به جایگاه سیاسی آن حضرت، ایشان را به دادگاه فراخواند و از ایشان شاهد خواست تا ثابت شود زره متعلق به آن حضرت است؛ اما چون تنها شاهد امام علی علیه السلام غلام ایشان، قنبر بود و از نظر فقهی، شهادت غلام پذیرفته نیست، حکم به نفع نصرانی غیرمسلمان صادر شد.^۳

همان گونه که پیداست، در عصر حکومت علوی اهل کتاب از چنان آزادی برخوردار بودند که نصرانی آزادانه در دادگاه اسلامی حاضر می‌شد و در برابر قاضی از خود دفاع می‌کرد و دادگاه براساس شواهد موجود به نفع وی حکم می‌داد.

جمهوری اسلامی با الگوگیری از امام علی علیه السلام آزادی انجام مناسک دینی را در خصوص پیروان دیگر ادیان رعایت کرده است:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل شصت و چهارم.

۲. ابراهیم بن محمد تقی کوفی، الفارات، ج ۱، ص ۱۲۴؛ علی بن ابی‌الکریم ابن‌انیر، الکامل فی‌التاریخ، ج ۳، ص ۴۰۱.

۳. همان.

الف) تعداد کلیسای آشوریان یا به عبارت بهتر، شرق آشور تنها در شهر ارومیه ۵۹ کلیسا و در تهران ۶ کلیسا است. بدین‌روی جامعه سی‌هزار نفری آشوریان ۶۵ کلیسا در ایران دارند و از این تعداد ۶ کلیسا از دوران ساسانی است.^۱

ب) از مجموع قریب ۲۵۰ کلیسای ایرانی ارمنیان، ۲۰۰ کلیسا متعلق به جامعه ارمنیان ایران است که با جمعیت ۱۲۰ هزار نفری در تهران، آنها تنها در این شهر ۵۰ کلیسا دارند.^۲

توجه به آموزش و مراکز آموزشی مسیحیان در حکومت علوی

در قرآن و سنت به علم و علم‌آموزی بسیار توجه شده است. سفارش‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز امامان معصوم علیهم السلام به کسب دانش گواه روشنی بر این مطلب است. از این‌رو، توجه به دانش از وظایف حکومت اسلامی بوده، در شیوه مدیریتی و رهبری سیاسی امام علی علیه السلام به وضوح مشاهده می‌شود:

الف) شرایط جامعه اسلامی برای اظهارنظر غیرمسلمانان، از جمله مسیحیان و حتی غیر اهل کتاب چنان فراهم بود که براساس منابع متقدم، امیرمؤمنان علیه السلام خلیفه و رهبر جامعه اسلامی، با برخی از ساحران، فیلسوفان و پزشکان یونانی مباحثه می‌کردند.^۳

ب) همچنین برخی از زندیقان که باور به خدا نداشتند، آزادانه با امیرمؤمنان علیه السلام مناظره می‌کردند.^۴ بنابراین امام علی علیه السلام در دوران حکومت خود، از بحث‌های منطقی استقبال می‌کردند و در این‌باره مسلمان و غیرمسلمان برای ایشان تفاوتی نداشت. منطقی شیوا و مقام معنوی ایشان موجب می‌شد طرف مقابل اقناع شود و حتی به اسلام گرایش پیدا کند.

اما ممکن است این سؤال به ذهن برسد که آیا مراودات و دیدارهای امیرمؤمنان علیه السلام با غیرمسلمانان به معنای تأیید مذهب یا همه نظریه‌های آنان است؟ مسلماً پاسخ منفی است؛ زیرا این روش برخورد منطقی با اقلیت‌های دینی و گفت‌وگوی بین‌الادیان از دستور قرآنی ریشه می‌گیرد که به صراحت می‌فرماید: «وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵)؛ با مخالفان و پیروان ادیان دیگر به طریقی که نیکوتر است، گفت‌وگو کنید.

نیز در خصوص اقلیت‌های دینی توصیه می‌کند: «وَ لَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت: ۴۶)؛ با پیروان کتاب‌های آسمانی جز از راهی که نیکوتر است مجادله ننمایید.

۱. عباسعلی عمیدزنجانی، «امام علی علیه السلام و حقوق اقلیت‌ها»، ص ۵-۸۱.

۲. همان.

۳. احمدین علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴. همان، ص ۲۴۱.

توجه به آموزش و مراکز آموزشی مسیحیان در جمهوری اسلامی ایران

از جمله اسباب ارتقای سطح بینش و هدایت انسان‌ها توجه به آموزش و تربیت است. همان‌گونه که ذکر شد، در حکومت امیرمؤمنان^ع در کنار آزادی آموزشی مسیحیان، توجه به تعلیم و تربیت و هدایت علمی آنها نیز مدنظر بود. این رویکرد به تبعیت از حکومت علوی، مدنظر جمهوری اسلامی نیز بوده است. یکی از حقوقی که جمهوری اسلامی براساس اصل چهاردهم قانون اساسی، برای مسیحیان قایل است توجه به مسائل علمی و آموزشی است. از جمله اقدامات دولت اسلامی ایران در این زمینه نمونه‌های ذیل است:

۱. جامعه مسیحی کلدانی و آشوری علاوه بر استفاده از مدارس ملی که حق مسلم هر شهروند ایرانی است، دارای مدارس مخصوص نیز هستند که مهم‌ترین آنها دو مدرسه دخترانه و پسرانه «حضرت مریم» و «پهنام» است.^۱

۲. تعداد ۵۰ مدرسه خاص در اختیار جامعه ارامنه است و مسلمانان حق شرکت در آنها را ندارند، ولی به عکس، آنان امکان ثبت‌نام فرزندان‌شان را در مدارس مسلمانان دارند. جامعه ارامنه دارای تعدادی خانه سالمندان، قبرستان‌های خاص، چاپخانه و چندین آثار فرهنگی و ملی است؛ همچنین کلیساهای تاریخی «قره‌کلیسا» و «وانک» و چند موزه. کلیسای «وانک» که در سال ۱۶۰۶ تأسیس شده دارای معماری سنتی ایرانی است و از زمان تأسیس تاکنون ۳۲ خلیفه ارمنی یکی پس از دیگری و بدون وقفه به خود دیده است.^۲

خدمات فرهنگی به مسیحیان در جمهوری اسلامی

برخی از امکانات آموزشی، تفریحی، فرهنگی مسیحیان ایران عبارت است از: ۲۷ نشریه، ۲۰ مرکز فرهنگی - اجتماعی، ۱۲ کمیته زنان، مهندسان و مانند آن که همه‌ساله رهبر جهانی این فرقه یک تا دو ماه را بین این جامعه در ایران به سر می‌برد.^۳

ارامنه ایران از قدیم‌الایام دارای مجله، روزنامه، نشریه هفتگی، روزانه، ماهانه و فصلنامه در کشور بوده‌اند، به‌گونه‌ای که قدمت مجله *آلیک* به ۶۷ سال می‌رسد و نه‌تنها در ایران، بلکه در ۴۰ کشور جهان خواننده دارد. تاکنون تعداد ۱۰۲ نشریه توسط این جامعه در کشور به ثبت رسیده که توسط مجامع ارمنی منتشر می‌شود.^۴

۱. عباسعلی عمیدزنجانی، «امام علی^ع و حقوق اقلیت‌ها»، ص ۵-۸۱.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

همچنین آرامنه ایران در مجموع ۵۰ انجمن فرهنگی، ورزشی، خیریه دارند. برای مثال، باشگاه «آارات» تهران از جمله بزرگ‌ترین مراکز ورزشی کشور است که در اختیار انحصاری جامعه آرامنه کشور است و مسابقات جامعه آرامنه در آن برگزار می‌شود.

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گذشت، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت:

۱. براساس تعالیم اسلام، انسان‌ها در عقاید و باورهای خود آزادند. طبق قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیروان ادیان الهی تا هنگامی که علیه منافع مسلمانان و جامعه اسلامی اقدامی نکنند، محترم بوده، می‌توانند در جامعه اسلامی در جایگاه یک شهروند عمومی زندگی کنند. حقوق شهروندی پیروان ادیان الهی در جامعه اسلامی، براساس قانون و قرارداد «ذمه»، در فقه اسلام تعریف شده است.
۲. در حکومت امیرمؤمنان علیه السلام پیروان ادیان آزادانه زندگی می‌کردند. رفتار حکومت حضرت علی علیه السلام با آنها همانند عموم مسلمانان، عادلانه بود. در امور آموزشی، قضائی و مانند آن، رفتار حاکمان اسلامی با آنها عادلانه و براساس تعالیم اسلام صورت می‌گرفت.
۳. نظام جمهوری اسلامی با تکیه بر قرآن و الگوگیری از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام، با مسیحیان رفتار کرده است. با این نگاه، قانون اساسی کشور بر رسمیت مسیحیت در ایران تأکید کرده است. نیز رهبران جمهوری اسلامی، امام خمینی رهبر و مقام معظم رهبری، با توجه به سیره حکومتی امیرمؤمنان علیه السلام، رویکردی عدالت‌محور و همراه با رأفت اسلامی با آنها داشته‌اند.
۴. گونه‌های مختلف مسیحیان، اعم از آرامنه، آشوریان و کلدانیان از دیرباز در ایران ساکن بوده‌اند. آنان پس از انقلاب اسلامی نیز همچون یک شهروند ایرانی در کشور زندگی می‌کنند.
۵. مسیحیان کشور از امکانات آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی، تفریحی و مانند آن به خوبی برخوردارند.
۶. آزادی فعالیت مسیحیان در جمهوری اسلامی به گونه‌ای عملی شده که آنها خود را جزئی از کشور دانسته و در حوادث گوناگون، از کشور حمایت کرده‌اند؛ مانند دوران دفاع مقدس که در این راه تعدادی شهید به کشور تقدیم کردند.
۷. بنابراین عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران و رهبران آن در قبال پیروان مسیحیت کاملاً در مسیر اسلام و مطابق سیره و عملکرد سیاسی و حکومتی پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام بوده است.

منابع

- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹.
- «انتقال مقر آشوریان از شیکاگو به تهران» *روزنامه ایران*، بخش سیاسی، گزیده اخبار، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۷، ش ۴۰۵۱، ص ۲.
- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکریم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸م.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- اخوان، منیره، «حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل و جمهوری اسلامی»، ۱۳۹۵، *پژوهش‌نامه حقوق بشری*، ش ۴، ص ۴۷-۷۰.
- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- امامی، محمد و حسین نورالدینی، «سیری در حقوق اقلیت‌های دینی در اسلام»، ۱۳۹۳، *تاریخ نو*، ش ۷، ش ۳۳-۵.
- امینی‌فر، حسن و محمد دشتی، «فراز و فرود مسیحیت در نگرش حکومت‌های ایران»، ۱۳۹۰، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ش ۳۰، ص ۵-۳۲.
- بدیعی، ربیع، *جغرافیای مفصل ایران*، تهران، اقبال، ۱۳۷۳.
- بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۱/۱۷، در: khamenei.ir
- تربری، پاتریک، *حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها*، ترجمه آریتا شمشادی و دیگران، تهران، مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
- تقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، *الفارقات*، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
- حجازی السقا، احمد، *نقد التورات*، قاهره، مکتبه کلیات الازهریه، ۱۹۷۶م.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
- حسینی، سیدعلی، *اهل کتاب در حکومت‌های اسلامی*، قم، تراث، ۱۳۹۶.
- درویش گفتار، احمد، *حقوق اقلیت‌ها در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.
- دشتی، تقی و ابراهیم باطنی، «مفهوم‌شناسی اقلیت»، ۱۳۸۹، *حقوق اسلامی*، ش ۲۵، ص ۱۷۵-۲۰۲.
- رنجبر، روح‌الله، «اقلیت‌های دینی و انقلاب مشروطیت»، ۱۳۸۹، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۲۷۷ و ۲۷۸، ص ۱۱۶-۱۲۷.
- شریعتی، روح‌الله، *حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران، در: tehranprelacy.com
- صدر، سیدمحمدباقر، *اقتصادنا*، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل النجاش*، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، ج سوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵.
- طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، ج چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- عظیمی، محمدرضا، *اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل (تاریخچه، پیمان‌ها، حدود و حمایت‌ها)*، تهران، پردیس دانش، ۱۳۹۲.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، «امام علی و حقوق اقلیت‌ها»، ۱۳۸۰، *کتاب نقد*، ش ۱۸، ص ۸۱-۸۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، ج دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
- فیاضی، محمدانور، *بررسی و تعامل ائمه اطهار با بیرون دیگر ادیان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
- قاسمی، محمدعلی، «اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۸۲، *مطالعات راهبردی*، ش ۲۲، ص ۸۵۳-۸۷۲.
- کریمی‌سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، نگارستان کتاب زرین، ۱۳۸۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- گیرشمن، رومن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- ملکمیان، لینا، *کلیسای ارامنه ایران*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- میلر، ویلیام مک‌لوی، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، تهران، حیات ابدی، ۱۹۸۱م.
- ناردی، افشین، «گزارشی از وضعیت ارامنه ایران»، ۱۳۸۲، *اخبار ادیان*، ش ۱، ص ۴۶-۵۵.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی‌تا.